



زن مسلمان در تعامل با فضاهای عمومی بررسی موردی محله وایت چپل در لندن

زهرا افتخاری راد^۱

نسخه نخست این مقاله که در کنفرانس بین المللی انجمن سیاست‌گذاری در عرصه‌های عمومی در تابستان ۱۳۹۵ در شهر میلان ارائه شده، وام دار نگاه انتقادی هنری لوفور در چارچوب حق به شهر و روزمرگی است و نیز با منطبق به روز شده نقش زن (بووار، ۱۹۷۲) در عرصه‌های عمومی تحت تأثیر نظریات پروفیسور دورین مسی جغرافیدان و نظریه پرداز فضاهای عمومی شهری است. بی شک با برنامه‌ریزی مشارکتی و توجه به چندلایه بودن عوامل بازدارنده برای در برگیرندگی شهر، به‌ویژه در فضاهای عمومی شهرهاست که حس تعلق و مسئولیت‌پذیری شهروندی تحقق پیدا می‌کند.

از دو دهه آخر قرن بیستم میلادی به بعد، فضاهای عمومی شهرهای بزرگ شاهد تنوع فرهنگی و هویتی فزاینده‌ای بوده‌اند که ناشی از بازنگری در ساختار انعطاف‌ناپذیر برنامه‌ریزی شهری است ولی کماکان آنجا که تبعیض و فقر وجود داشته باشد، امکان دسترسی کاهش یافته و محدود می‌شود و حتی در مواردی نفی می‌گردد. هر زمان تنوع با ظاهری متفاوت از آنچه عادی و معمول فرض شده باشد (مثلاً در رنگ پوست، پوشاک، ...) ظاهر شود رفتارهای تنگ‌نظرانه امکان بروز ناهنجاری را مهیا می‌کند. این مقاله به بررسی تجربیات زنان مسلمان به زبان خودشان در گذران روزمرگی خود در فضاهای عمومی و چالش‌هایی که با آن مواجه‌اند، می‌پردازد. اهمیت بررسی این تجارب درگسستگی است که بین مسلمان (جمعیت رو به رشد مسلمان، کتان، ۲۰۱۰) و جوامع غربی‌ای که در آن سکونت دارند وقتی شهروند مسلمان ظاهر روزمرگی را به چالش می‌کشد بروز پیدا می‌کند و گروه اقلیتی را به انزوا و حاشیه می‌راند.

البته تعامل بین برنامه‌ریز شهری و شهروند با دقت به فرهنگ‌های مهاجر و اقلیت‌ها، تا حد زیادی در کاهش تنش و هراس از دیگری، موفقیت آمیز بوده ولی هنوز فضاهای عمومی مردانه مانده‌اند و امکان دسترسی زن (مجببه) با چالش‌های عمده‌ای روبروست که حکایت از تکرار خطاهای گذشته دارد. تعریف جنسیت‌مدار فضاهای عمومی (آرتورو ۲۰۰۵) با معنی بخشیدن و دفاع از محیط پیرامونی و ایجاد امنیت در آن، درحین امرار معاش، گذران زندگی و شکل‌گیری هویت ساخته می‌شود. سازمان ملل نیز (هیبتات ۲۰۱۱) به کیفیت فضاهای عمومی به دلیل تقویت احساس تعلق تأکید دارد و بسط و ترویج تجربیات موفق بین‌المللی را پیشنهاد می‌کند تا سیاست‌های دربرگیرنده رایج شوند. در فضاهای عمومی است که در برگیرندگی تجربه می‌شود و در همین فضاهاست که ناهنجاری- نا امنی و ناپایداری به چشم می‌خورند. حس تعلق به فضاهای عمومی (دورین مسی ۱۹۹۴)، در آنجایی شکل می‌گیرد که در آن محدودیت ترددی و تبعیض‌آمیز وجود نداشته باشد. خوش‌آمدگویی چنین فضاهایی امکان ریشه دواندن تنوع هویتی را تسهیل می‌کند و بدین ترتیب پایداری را تقویت می‌کند. ازیک‌سو دیده شدن در فضاهای عمومی ابتدایی‌ترین "حق به شهر" است و سپس در این قبیل فضاهاست که گفتگو و تعامل تحقق پیدا می‌کند و حس انزوا یا ترد شدن از بین می‌رود (سه نت، ۲۰۰۸). حضور در عرصه‌های عمومی سر آغاز مال خود دانستن شهر و محله و احساس تعلق و در نتیجه مسئولیت‌پذیری است. از سویی دیگر مرزبندی و تعاریف قانونی و مقررات محدوده‌های عمومی و خصوصی را تعریف می‌کند و به لحاظ تغییرات در همین مقررات و سیاست‌هاست که امکان تردد آزاد و بدون دغدغه بین عرصه‌های عمومی و خصوصی در طی دوران تغییر می‌کنند (الکوف، ۲۰۰۶). تحولات فرهنگی و نظام حقوقی و قانونی کشورهاست که نحوه استفاده از فضاهای عمومی را متفاوت می‌کند. روایت تجربیات زنان مسلمان لندن نشین از طریق روش‌های کیفی (مصاحبه کانونی و گفت‌وگوهای عمیق) جمع‌آوری شده که گویای نحوه تعامل آنان در انجام فعالیت‌های روزمره‌اشان در فضاهای عمومی و با سایر شهروندان است. اگر فضاهای عمومی و دسترسی به شهر برای شهروندان بطور برابر فراهم شود، همبستگی بین همشهریان تقویت می‌شود. بازدارنده‌های دسترسی این زنان چیست و زنان در تعامل با فضاهای عمومی با چه چالش‌هایی مواجه هستند. در اینجا مفهوم روزمرگی بر اساس تعریف لوفور در دایره المعارف یونیورسال سال ۱۹۸۳ مورد توجه است. او می‌گوید: مسکن، پوشاک و تغذیه (سبک زندگی) از عناصر شکل دهنده روزمرگی‌اند که درماتریسی با کاربرد، شکل و سازه قابل لمس و قابل رویت و تجربه می‌شود. روزمرگی مجموعه ایست از فعالیت‌ها که به ظاهر متفاوت‌اند ولی وقتی اجتماعی به یکسان سازی وجهان شمولى تعاریف

۱- دکترای توسعه شهری و عمومی، دانشگاه کینگستون لندن، z1905ze@yahoo.com



در نمونه مورد بررسی مطابق با تعاریف لوفور و تعابیر مسی، فعالیت‌های روزمره، مخاطبین این تحقیق به شرح زیر مورد توجه قرار گرفته است:

- استفاده از وسایل نقلیه عموم؛
- به تماشای ویتترین مغازه‌ها رفتن (گشت و گذار در شهر)؛
- خرید از سوپرمارکت؛
- خرید از مغازه‌ها برای پوشاک؛
- صرف نهار در یکی از میدان؛
- مراجعه پیاده به پارک؛ مراجعه پیاده به کتابخانه.

بدین منظور جلسات گروهی (Focus Groups) به تدقیق ترجیحات مخاطبان و درک ابراز وضعیتشان کمک کرده و اینک با وجود تنوع سنی و قومی و عقیدتی چگونه ممکن است هویت واحدی برای خود تصور کنند. این جلسات در گروه‌های ۴-۱۰ نفر تشکیل شده است. بر مبنای تئوری‌های بالا و در جهت پاسخگویی به نکاتی مرتبط با این مبنای اولیه تئوری. سپس مصاحبه‌های عمیق همراه با پرسه زدن در فضاهای عمومی روایت تجربه انزاوا یا تردد داشتن را قابل لمس کرده. با روش "مصاحبه در حین راه رفتن یا پرسه زدن" که یکی از روش‌های شناخته شده در مطالعات شهری محسوب می‌شود (اندرسون، ۲۰۰۴) انجام شده است. در این روش ابتدا زمان و مکان‌ها و مسیرهای مورد نظر براساس اولویت فضاهایی که مصاحبه شونده در زندگی روزمره با آن سرو کار دارد و صحبت کردن در مورد آن فضاها برایش در اولویت است و حتی مایل است که تجربیات خوب و بد خود را در میان بگذارد، برنامه‌ریزی شده است. بر این اساس فهرست این فضاها در این یکی از مصاحبه‌ها به شرح زیر است:

اتوبوس سواری، رفتن به مرکز خرید اصلی، پیاده‌روی در خیابان اطراف، پیاده‌روی در پارک و کنار رودخانه و رستوران، کتابخانه محل، پرسه زدن در خیابان‌های محله و سوپرمارکت. نکات اصلی که این زنان به آن اشاره

1- Anderson, J., 2004.

واستانداردها (مثلاً به سبب منطق تولید صنعتی و کارخانه‌ای) تن می‌دهد و آن‌ها را توسط قوانین ومقررات مصوب و انعطاف‌ناپذیر می‌کند تنوع واقعی برتابیده نخواهد شد. البته لُهِفُور (۱۹۷۲) خاصیت تکراری بودن روزمره را نیز در کنار یکنواختی آن مورد توجه قرار می‌دهد و در روزمرگی دو دسته را شناسایی می‌کند. یکی روزمرگی ایست که تناوب روز و شب و فصول و چرخه تولیدات کشاورزی را همراه می‌آورد و دیگر، یکسان سازی است که منطق تولید و سبک زندگی مصرفی به ارمغان می‌آورد. این یکنواختی و یکسان سازی در فضاهای عمومی ظهور پیدا می‌کند و بعضاً تبدیل به ارزش و هویت درون نگر می‌شود. لوفور تأکید می‌کند که روزمرگی توزیع جنسیتی نابرابر دارد زیرا زنان بیشتر با فعالیت‌های روزمره سرو کار دارند. دورین مسی (۱۹۹۷) به دنبال عدالت و دسترسی به فضاهای عمومی در لُهِفُور سه مفهوم را تمیز می‌دهد:

- فضاهای ملموس
- فضاهای زندگی
- فضاهای ادراکی



مسی می‌گوید که فضاهای زندگی و فضاهای ادراکی تولیدی اجتماعی - فرهنگی‌اند، ولی فضاهای ملموس توسط معمار و شهرساز و برنامه‌ریز شهری شکل می‌گیرد. در نتیجه بررسی روایت تعامل شهروند با کالبد فضای عمومی و سایر شهروندان به خودی خود در شکل‌گیری فضاهای ملموس و ادراکی و سیاست‌های قانونی آن‌ها تأثیر گذارند و می‌بایست در برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گیرند. ایجاد تغییر و تنوع در روزمرگی می‌تواند در تعاریف دربرگیرندگی و ضوابط پایداری تأثیرگذار باشند. حضور و دیده شدن در عرصه‌های عمومی بخش جدایی‌ناپذیر مشارکت و حس تعلق است و عمدتاً نیاز به پی‌گیری و مطالبه دارند تا تغییر سیاست‌ها در دستور کار قرار گیرند (گوفمن، ۱۹۵۹). حضور در عرصه‌های عمومی زمینه ساز تعامل و تسامح است که خود متضمن پایداری اجتماعی است. عدم آشنایی صحیح با اسلام و بیگانه‌هراسی در شهرهای غربی با ظهور تنوع هم با مناره مساجد به مخالفت می‌پردازد و هم با حجاب. تقابلی که ریشه در هراس از برهم خوردن یکنواختی و یکسان بودن روزمرگی دارد. بهره‌برداری غوغاسالارانه در رسانه‌ها از فجایع ۱۱ سپتامبر و وقایع معاصر امکان شنیده شدن صدای زنان مسلمان در جهت دستیابی‌شان به فضاهای عمومی شهر را کاهش داده، در حالی‌که با برقراری عدالت فضایی در شهر می‌توان حس تعلق (یووال، ۲۰۱۲) را در این جوامع تقویت کرد.

می‌کنند (در ارتباط با موضوع این مقاله) را می‌توان در دو گروه کلی تحلیل کرد. به علت در معرض دید بودن (چشم خوردن) تفاوت‌های سبک زندگی چه به لحاظ فردی و خانوادگی و چه به لحاظ اجتماعی، حق به شهر زنان مسلمان فراتر از قوانین و مقررات کم رنگ شده‌اند. این زنان از حق تحصیل، امکانات درمانی و بهداشتی، حق حضور در اجتماع و غیره برخوردار هستند، اما به دلیل عدم احساس "راحتی" و یا "امنیت" ترجیح می‌دهند که تا حد ممکن از حداقل‌های ممکن و در اختیارشان استفاده کنند. و یا به قولی به صورت حداقلی از منزوی خارج می‌شوند. آن‌ها براحتی از تسهیلات اوقات فراغت استفاده نمی‌کنند.

بنابراین، خرید روزمره خود و حتی تمامی فعالیت‌های مرتبط با خانواده را انجام می‌دهند و متذکر می‌شوند که این نحوه پوشاک، مانعی برای انجام فعالیت‌های روزمره آن‌ها نیست. اما به دلیل تفاوت‌ها مسیرها و فعالیت‌ها محدود به زمان و مکان‌های خاص هستند.

تمایل به محدود کردن ارتباطشان با جریان‌های روزمره جامعه، تا بتوانند هویت متفاوت برای خود ایجاد کنند. برای مثال به تبلیغات رسانه ای و اکران‌های شهری دقت نمی‌کنند، در جمع‌های اجتماعی مانند مراسم هنری و فرهنگی حضور پیدا نمی‌کنند، حتی تمایلی به فعالیت‌های ورزشی نشان نمی‌دهند و از این طریق تلاش در حفظ هویتشان و حتی به دنبال تعریف جدید از هویت خود هستند.

منابع:

- Alcoff, L. (2006). Visible Identities. Oxford: OUP.
- Anderson, J., 2004. Talking whilst walking: A geographical archaeology of knowledge.
- de Beauvoir, S. (1972). The Second Sex, Harmondsworth: Penguin.
- Doreen M. (1997). Space, Place, Gender. University of Minnesota Press: Minneapolis.
- Goffman E. (1959). The Presentation of Self in Everyday Life. London: Penguin Group Ltd.
- Kettani, H. (2010). "Muslim Population in Europe: 1950 – 2020," International Journal of Environmental Science and Development vol. 1, no. 2, pp. 154-164.
- Lefebvre H. (1972). Paris: Translated by Christine Levich Yale French Studies 73, Originally "Quotidien et Quotidienneté"
- Sennett, R. (2008). Quant. Available: <http://www.richardsennett.com/site/SENN/Templates/General2.aspx?pageid=16> [accessed April 2014]
- Yuval Davis, N. (2012). The Politics of Belonging. London: SAGE Publications Ltd

حق به دیوارهای شهر: مروری بر هنر شهری گرافیتی در ایران وضعیت اقتصادی و جوانان با امضای گرافیتی هنرمند مطرح کشور

زهرا اسکندری دورباطی^۱

چکیده

هدف این مقاله انعکاس صدای گروهی از جوانان از ورای هنر شهری و خیابانی یا گرافیتی است و اینکه چرا این گروه هنری ترجیح داده‌اند که حرف خود را از طریق گرافیتی با نامی مستعار و هویتی پنهان بیان کنند؟ برای دستیابی به این هدف مقاله از روش‌های کیفی مصاحبه از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی و نشانه‌شناسی و تحلیل آثار بهره‌مند شده است. این بررسی نشان می‌دهد که از نظر جوانان گرافیتی، مصاحبه شده زندگی روزمره از جوک تا اخبار بسیار مهم سیاسی-اجتماعی، اقتصادی کشور و جهان از قبیل صلح و جنگ یا هر موضوع دیگری که افکار عمومی بر آن حساس است از فقر، اختلاس، بنیادگرایی تا جنسیت موضوعی برای گرافیتی است. همچنین بررسی آثار حاکی از اعتراض یا توجه به وضعیت فضای خاص شهری نیز هست که اغلب گرافیتی‌های ایران به آن می‌پردازند. از نظر گرافیتی‌های مصاحبه شده این هنر از انزوا بیرون آمده و مخاطب خود را در بین نسل دهه ۶۰ یافته و آینده روشنی پیش رو دارد. دختران جوان به آرامی جای خود را در این عرصه می‌یابند. مخاطب داشتن برایشان مهم است، از این رو به هنجارهای ذهنی عموم مردم اهمیت می‌دهند و آن را رعایت می‌کنند و ندالسیسم جایگاه بسیار محدودی بین این جوانان دارد در واقع «درصد تخریب نیستند اگر بودند می‌توانستند» و این تنها به کنترل نهادهای رسمی باز نمی‌گردد. آنها در صدد آن هستند که حرفشان را بزنند اینکه «گرافیتی جرم نیست»، «فضای شهر تنها نباید حرف هیئت هنری شهرداری را انتقال دهد آنها هم می‌خواهند حرف خودشان را با شهروندان در میان بگذارند و این حرف را بر روی دیوارها و فضاهای عمومی رها شده در مالکیت عمومی به زبان بیاورند. و پای این نوع سخن گفتن هم ایستاده‌اند».

واژگان کلیدی

هویت، عاملیت، فضای شهری، خیابان، هنر غیررسمی، گرافیتی و جوانان

۱- پژوهشگر حوزه فقر شهری، دانشجوی دکتری گروه‌های اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، zeskandari2@yahoo.com